

بررسی وضعیت آموزش کارآفرینی در مراکز آموزش عالی ایران

*آناهیتا محمدنظامی

دانشجوی دکترای رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، البرز، ایران
www.nezamianahita268@gmail.com

علی مرادعلیزاده

دانشجوی دکترای رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، البرز، ایران
www.alimoradalizadeh1372@gmail.com

چکیده

امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهم ترین و گسترده ترین فعالیت های دانشگاه های خارجی تبدیل شده است. در برخی از کشورها به دلیل عدم وجود منابع مادی و طبیعی به نیروی ابتکار و خلاقیت و به عبارتی کارآفرینی روی آورده و طی چند دهه خود را در گروه کشورهای پیشرو قرار داده اند. دوره های آموزش کارآفرینی نیز همانند کلیه دوره های آموزشی بر اساس اهداف متفاوتی طراحی می گردند. با وجود این در مجموع فارغ از اهداف ویژه خود، سه تغییر اساسی در فراگیران ایجاد می نماید. این سه تغییر شامل تغییر در دانش و معلومات و اطلاعات تغییر در نگرش و بینش و طرز تلقی افراد نسبت به موضوعات و مسائل ویژه و در نهایت تغییر در مهارت ها و توانایی های عملی افراد است. جوامع برای رسیدن به این اهداف، نیازمند برگزاری دوره های آموزش کارآفرینی هستند. این دوره ها برای دانشجویان و دانش آموزان، اساتید و مدرسان، کارآفرینان و اқشار مختلف جامعه، نظیر کارمندان یک سازمان برگزار می گردد.

آنچه مسلم است دانشگاه به دنبال این نیست که تا با آموزش کارآفرینی باعث ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط با ارزش پائین شوند، بلکه به توسعه سطحی بالاتر از مهارت ها و تقویت توانایی های تحلیلی می پردازد، بدین معنا که دانشگاه به دنبال تربیت متخصصان متفکر و اندیشمند است. دانشجویان فارغ التحصیل باید نوآور و خلاق باشند تا بتوانند به ابتکارات کارآفرینانه جنبه ی هنر را برآورده سازند. همچنین آن ها باید در حوزه های مختلف به مدیران شایسته تبدیل شوند. از چالش های آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشورمان، چالش در محتوا و شیوه های آموزشی، فناوری، اعتبارات، اساتید، ارتباط با جامعه کسب و کار و تحقیقات پیرامون موضوع است. منابع درسی موجود، بیشتر فرهنگ استخدام شدن را که در برابر فرهنگ خویش فرمایی و ابتکار جویانه فردی قرار دارد، تبلیغ و تشویق می کند. نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی ایران به جای کارآفرین بودن، کارجو پرور است و با هزینه های زیاد افرادی را تربیت می کند که فقط شکاف های شغلی تعریف شده نظام سنتی اداری را پر کنند، دلیل آن نیز عدم توجه به یادگیری عملیاتی و خلاقانه موضوعات درسی است. با توجه به این که دستیابی به سطوح بالای رشد و تعالی در کشور، بدون مجهز شدن به کارآفرینی امکان پذیر نیست، بنابراین، باید برنامه های آموزش کار آفرینی دانشگاهی مورد بازبینی قرار گیرد و موضوعات درسی دوره ها و روش های آموزش به سوی کارآفرینی مداری سوق داده شود.

کلیدواژگان: کارآفرینی، آموزش کارآفرینی، آموزش عالی

مقدمه

امروزه کارآفرینی به عنوان یک راهکار اثربخش برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها به شمار می آید. کارآفرینی به معنای فرایند کشف و بهره برداری از فرصت ها به منظور ارزش آفرینی در عرصه های مختلف بوده و اساس توسعه پایدار تلقی می شود. در کشورهای پیشرفته روند توسعه اقتصادی بیانگر این واقعیت است که اقتصاد تحت تاثیر کارآفرینی است، به گونه ای که کارآفرینان در توسعه اقتصادی این کشورها نقش محوری دارند. بدین ترتیب توسعه کارآفرینی نقش شایسته ای برای حضور فعال در بازارهای جهانی، اشتغال زایی پایدار، توسعه عدالت، کاهش فقر و حل مشکلات جامعه، دولت و بخش عمومی است. آموزش کارآفرینی به یکی از مهم ترین و گسترده ترین فعالیت های دانشگاه های خارجی تبدیل شده است. آن چه در این دوره ها بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، اهداف آموزشی، مناسب بودن محتوای دوره های آموزشی، کارآفرینانه بودن شیوه تدریس، ایجاد و گسترش مفهوم و فرهنگ کارآفرینی در محیط دانشگاه، ایجاد تحرک برای توسعه اقتصادی، ترغیب دانشگاه ها به برگزاری دوره ها و کارگاه هایی آموزش کارآفرینی، گسترش پژوهش ها در خصوص کارآفرینی و کارآفرینان، حمایت های اطلاعاتی، مشاوره ای و مالی لازم به منظور ایجاد فعالیت های کارآفرینانه از سوی دانشجویان و دانش آموختگان، ترکیب اعضای برگزارکننده دوره ها و فعالیت های آموزشی کارآفرینی از سوی دانشجویان و دانش آموختگان، ترکیب اعضای برگزارکننده دوره ها و فعالیت های آموزشی کارآفرینی، اثربخشی دوره های کارآفرینی و تطبیق و هماهنگی دوره های آموزشی و موارد یادشده با همدیگر، به منظور تربیت دانشجویان و دانش آموختگان کارآفرین است.

کشور عزیزمان ایران برخلاف داشتن جمعیت مستعد، منابع طبیعی فراوان و افراد تحصیل کرده، از اشتغال مولد چندانی برخوردار نیست. لذا این مساله در اولویت برنامه ها و سیاست های سازمان ها و نهادهای تصمیم گیرنده قرار گرفته است. توسعه و ترویج کارآفرینی در یک کشور نیازمند اقدامات و هماهنگی های همه جانبه است. لذا این پژوهش به تجزیه و تحلیل وضعیت آموزش کارآفرینی در مراکز آموزش عالی ایران خواهد پرداخت و با مطالعه وضعیت موجود، در صدد شناخت بهتر وضعیت آموزش کارآفرینی کشورمان می پردازد.

مبانی نظری

ادبیات پژوهش آموزش کار آفرینی

در چند دهه اخیر نوآوری و اختراع جایگاه ویژه ای در پیشرفت و توسعه کشورها داشته و صاحب نظران اقتصادی آن را به عنوان موتور توسعه اقتصادی قلمداد کرده اند که با وجود ارزشمندی و پایان ناپذیری منبع بی بدیل بسیار ارزان و در اختیار همگان است. جامعه ای که پیشرفت خود را متکی به قوه تفکر و ابداع بداند، موفق تر از جامعه ای است که وابسته به منابع مادی و طبیعی است. در برخی از کشورها به دلیل عدم وجود منابع مادی و طبیعی به نیروی ابتکار و خلاقیت و به عبارتی کارآفرینی روی آورده و طی چند دهه خود را در گروه کشورهای پیشرو قرار داده اند.

مفهوم کارآفرینی

می توان گفت کارآفرینی شکل ویژه ای از نوآوری است و از پیاده سازی موفقیت آمیز ایده های خلاق برای ایجاد یک کسب و کار جدید با یک ابتکار جدید در درون یک کسب و وجود می آید در مورد تعریف کارآفرینی دیدگاه های مختلفی وجود دارد و درک کامل مفهوم و موضوع کارآفرینی نیازمند اطلاع از دیدگاه های بین رشته ای است. کارآفرینی بر حسب ماهیت خود و توجه محققان رشته های مختلف از نظر روان شناسی جامعه شناسی اقتصادی صنعت و حتی تاریخی تعریف شده است. کارآفرینی اولین بار مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت و تمامی مکاتب اقتصادی از قرن ۱۶ میلادی تاکنون به نحوی کارآفرینی را در نظریه های اقتصادی خویش تشریح کرده اند. کارآفرینی از مباحثی است که در تمامی ابعاد توسعه اقتصادی و اجتماعی در حدود ۲۰ سال

اخیر عملاً در دنیای تجارت و کسب و کار مطرح شده است (عبدالله زاده سلماسی و دیگران، ۱۳۹۴). از جمله تعاریف کارآفرینی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

❖ ژوزف شومپتر (۱۹۳۴) فرآیند کارآفرینی را تخریب خلاق" می نامد. به عبارت دیگر ویژگی تعیین کننده در کارآفرینی همانا انجام کارهای جدید و با ابداع روش های نوین در امور جاری است. روش نوین همان تخریب خلاق" است. از نظر وی نوآوری در هر یک از زمینه های ذیل کار آفرینی محسوب می شود:

- ✓ ارائه کالای جدید
- ✓ ارائه روش جدید در فرآیند تولید
- ✓ گشایش بازاری جدید
- ✓ یافتن منابع جدید
- ✓ ایجاد هر گونه تشکیلات جدید در صنعت

علل اهمیت کارآفرینی

کارآفرینی از محورهای اصلی رشد و توسعه است و از نظر برنامه ریزی توسعه اقتصادی و توسعه پایدار دارای اهمیت است، زیرا:

- ✓ موجب ایجاد اشتغال می شود؛
- ✓ باعث افزایش سود سرمایه گذاران می شود؛
- ✓ موجب دگرگونی ارزش ها و تحول ماهیت آن ها می شود و ارزش های تازه ای به وجود می آورد؛
- ✓ موجب پرشدن خلاها و شکاف های بازار کار می شود، یعنی با توجه به دگرگونی شرایط بازار کار و فراهم شدن فرصت های تازه تصمیم های تازه های گرفته می شود؛
- ✓ موجب گذار از رکود اقتصادی جبران عقب ماندگی های اقتصادی و آسان شدن روند رشد و توسعه کشور می شود؛
- ✓ عوامل و شرایط لازم را برای تولید کالاها محصولات و بازاریابی آن ها فراهم می سازد؛
- ✓ کارآفرینی به هنگام بحران و ناتوانی بخش خصوصی در ایجاد اشتغال می تواند باعث جلوگیری از پس روی اقتصاد شود؛
- ✓ باعث تأمین رفاه اجتماعی می شود؛
- ✓ موجب رقابت صنایع به ویژه صنایع مشابه داخلی با یکدیگر و سرانجام موجب بهبود و بالا رفتن کیفیت کالاها می شود؛
- ✓ باعث تقویت و تکامل صنایع داخلی می شود و بدین ترتیب زمینه رقابت صنایع داخلی و خارجی فراهم می آید و سرانجام به افزایش صادرات و دریافت ارز برای کشور می انجامد؛
- ✓ کارآفرینی موجب به وجود آمدن محصولات، خدمات، روش ها، سیاست ها، افکار و راهکارهای نو برای حل مشکلات جامعه می شود (فرهنگی، حسینی، ۱۳۷۸).

اهداف آموزش کارآفرینی

یکی از مهمترین و مقدم ترین عوامل در طراحی و اجرای یک دوره آموزشی توجه به اهداف آن است. در تدوین اهداف یک دوره آموزش کارآفرینی نیز ابتدا باید هدف از برگزاری آن را مشخص نمود. دوره های آموزش کارآفرینی نیز همانند کلیه دوره های آموزشی بر اساس اهداف متفاوتی طراحی می گردند. با وجود این در مجموع فارغ از اهداف ویژه خود، سه تغییر اساسی در فراگیران ایجاد می نماید. این سه تغییر شامل تغییر در دانش و معلومات و اطلاعات تغییر در نگرش و بینش و طرز تلقی افراد

نسبت به موضوعات و مسائل ویژه و در نهایت تغییر در مهارت ها و توانایی های عملی افراد است. با گسترش حیطه فعالیت های آموزشی در حوزه کارآفرینی نیز می توان اهداف دوره های آموزشی در این زمینه را به شرح زیر طبقه بندی نمود:

✓ دوره های آموزشی با هدف آگاه نمودن و ترویج فرهنگ و روحیه کارآفرینی در بین کلیه اقشار جامعه این دوره ها با تاثیر در بینش افراد نسبت به کارآفرینی به عنوان یک انتخاب شغلی و معرفی کارآفرینان موفق و نحوه دستیابی آنان به این توفیقات گروه های مختلف اعم از جوانان، اقلیت ها، بیکاران، بازنشستگان و... را نسبت به این امر حساس و با انگیزه می نمایند تا تمایل به کارآفرین شدن در آنان افزایش یابد و ایده های نو را تا دستیابی به کمال و نتیجه دنبال نمایند.

✓ برنامه های آموزشی ویژه برای کارآفرینان بالقوه که به افراد آموزش هایی از قبیل خلاقیت توانایی شناخت و استفاده صحیح از فرصت ها تمایل به مخاطره پذیری استقلال و تعهد نسبت به کار تمایل به حل مشکلات بهبود انگیزش و تمایلات فردی برای کارآفرین شدن را ارائه می دهند و با الهام بخشیدن به آنان راه دستیابی به موفقیت را روشن می نماید.

✓ دوره هایی برای کارآفرینان بالفعل که آنان را راهنمایی می کند تا بیاموزند که چگونه فعالیت خود را برای رشد بقای شرکت شان بهبود بخشند و با ارائه آموزش های لازم در زمینه مدیریت نوآور و کارآفرین در شرکت شیوه های بازاریابی تحلیل امکان سنجی، حسابداری مالیات قوانین و مقررات شرکت های نوپا طراحی و توسعه تولیدات و... کارآفرینان را آماده می نماید که فعالیت های خود را گسترش داده و یا بهبود بخشند.

4 ✓ برنامه پشتیبانی و حمایت همه جانبه از کارآفرینان اعم از حمایت های مالی و مادی مانند معرفی بانک های دولتی و خصوصی و شیوه های مشارکت مالی سرمایه داران در پروژه های جدید خطر پذیر حمایت های علمی و فنی همچون معرفی اساتید و صاحب نظران دانشگاه و صنعت در حوزه مورد نظر به کارآفرین حمایت های فرهنگی و معنوی که اغلب دولت ها انجام می دهند، در زمینه مسائلی همچون صدور پروانه حذف مقررات زائد، تسهیلات مالیاتی و... و معرفی شبکه های ارتباطی و اطلاعاتی به عنوان زیر ساخت فعالیت های اقتصادی نوین به کارآفرینان (حسن مرادی، ۱۳۸۵).

سطوح مختلف دوره های آموزش کار آفرینی

با توجه به این که هر یک از برنامه های آموزش کارآفرینی با هدف خاص برای گروه ویژه ای طراحی می گردد و شرکت کنندگان در دوره های مختلف نیازهای دانشی، بینشی و مهارتی متفاوتی دارند. قطعا برای افراد و گروه های مختلف از بعد تخصصی و علمی، دوره های آموزشی خاصی مورد نیاز است تا اهداف طراحی شده در شرکت کنندگان این دوره ها تحقق یابد. از این رو دوره های آموزشی را می توان در دو سطح «عمومی» و «تخصصی» طبقه بندی نمود.

دوره های عمومی: به طور عام برای کلیه شرکت های تولیدی و خدماتی ارائه می شود و به آموزش مجموعه ای از دوره ها در عرصه کارآفرینی به شرح زیر می پردازد:

- ارائه مقالات و سخنرانی ها و مطالب متنوع توسط اساتید، صنعتگران و کارآفرینان موفق.
- ارائه دانش و مهارت لازم جهت تاسیس شرکت شامل جنبه های قانونی مالیاتی سرمایه گذاری انتخاب سیاست ها و استراتژی های مناسب و... و حتی جستجوی یک اندیشه جدید به عنوان یک پروژه در ذهن شرکت کنندگان.
- انجام پروژه های عملی برای ارائه طرح های مخاطره آمیز و توسعه و تکمیل آن بر اساس اطلاعات کسب شده در دوره قبل (طراحی سناریویی واضح برای کارآفرینی).
- ارائه آموزش های مدیریتی و مشاوره ای برای شرکت های نوپا و رویه رشد در زمینه های مختلف تخصصی نمایند بازاریابی، امور مالی و یا بر حسب نوع کار، نظیر امور تولید و خدمات.

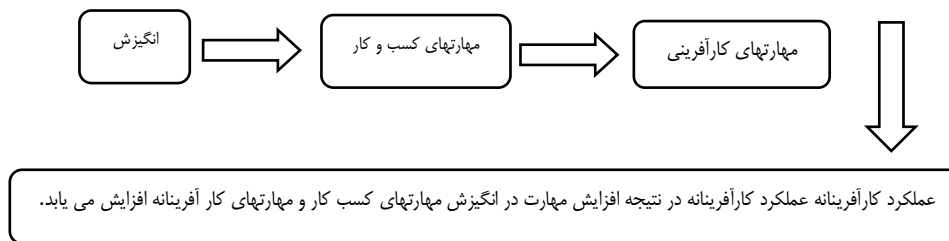


- تلفیق مفهوم مدیریت و فعالیت های کارآفرینانه با یکدیگر و به عبارتی ایجاد مهارت و توانایی مدیریت فعالیت های مخاطره پذیر و بدیع .
- دوره های تخصصی : این دوره ها مبتنی بر انجام وظایف و فعالیت های خاص در حوزه کارآفرینی است و در سه دسته قابل تفکیک هستند.
- ارائه آموزش در زمینه ایده سازی، نوآوری و خلاقیت و تحلیل امکان سنجی، جهت توسعه مفهوم کارآفرینی به منظور تولید محصول و یا خدمات جدید.
- آموزش تخصصی جهت آشنایی شرکت کنندگان با شیوه های مدیریت صحیح کارآفرینی، در جهت حمایت، پشتیبانی و گسترش خدمات جدید را به تکامل رساند و حیطة فعالیت را گسترده تر نمود.
- تاکید بر آموزش های تخصصی و کاربردی همراه با دیدگاه های کارآفرینی نظیر چگونگی تامین منابع مالی استراتژی های بازاریابی حسابداری و مالیات بندی و غیره (حسن مرادی، ۱۳۸۵).

مدل های نظری

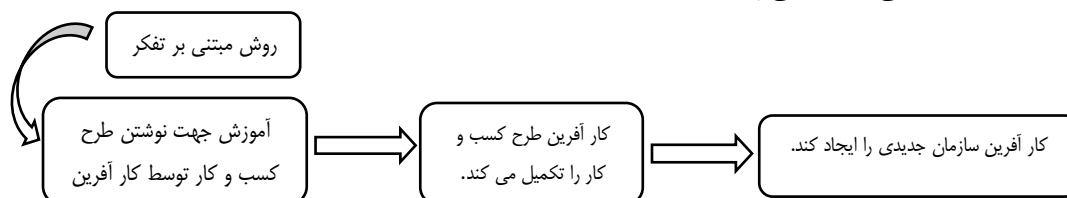
الف - مدل پیشنهادی آموزش کارآفرینی وارن و گیدئون :

اجزا و مولفه های آموزش کارآفرینی در این مدل شامل انگیزش مهارت های کسب و کار و مهارت های کارآفرینی می باشند. عملکرد کارآفرینانه در نتیجه افزایش در انگیزش و به موازات آن افزایش مهارت های کسب و کار و مهارت های کارآفرینی افزایش می یابد مهارت های کسب و کار شامل مهارت های پایه ای نظیر آشنایی با مهارت های قانونی ایجاد کسب و کار توانایی نگارش طرح کسب و کار مهارت های مالی مهارت های قانونی و مهارت های بازاریابی می باشد. مهارت های کارآفرینی نیز در این مدل شامل خطر پذیری نوآوری و شناخت فرصت ها است.



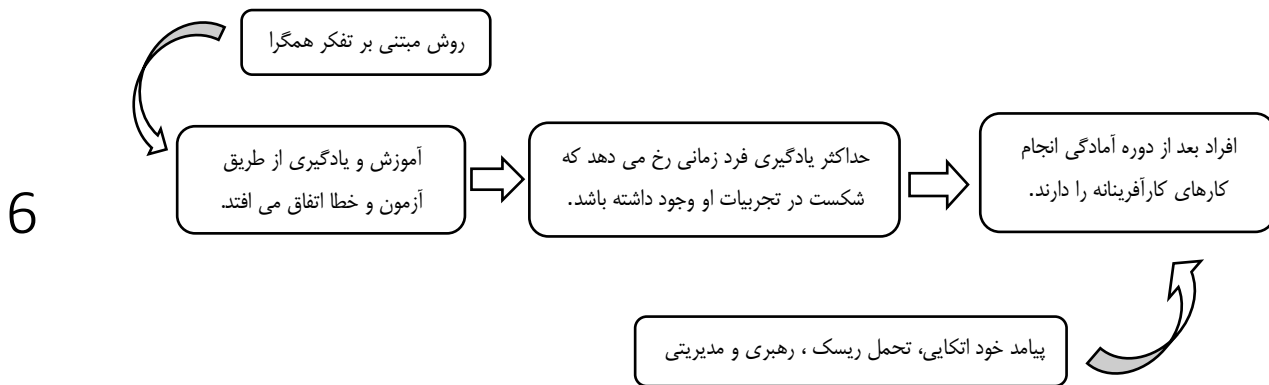
ب- مدل سنتی از آموزش کارآفرینی:

در این مدل کارآفرین کسی است که تفکر همگرا داشته باشد و بتواند مجموعه ای از تفکرات به یک تفکر برسد. در این فرایند کارآفرینانه شخص آموزش می بیند که چگونه طرحی برای کسب و کار بنویسد. پیامد این فرایند در آموزش کارآفرینی این است که شخص اگر چه توانایی نوشتن طرح کسب و کار را پیدا کرده و سازمان جدیدی را ایجاد نموده، ولی تکمیل طرح کسب و کار شخص از طریق دانش سطحی صورت می پذیرد.



ج - مدل تجربی از آموزش کار آفرینی:

در این الگو نیز تفکر همگرا مطرح است و تجربیات یادگیری از آزمون و خطا حاصل می شود . و نهایتاً فرد به یک سری یادگیری در زمینه کارآفرینی دست پیدا می کند، که از آن جمله خود اتکایی تحمل ریسک و تجربه مدیریتی است(فاتح و همکاران،۱۳۸۹).



فراگیران دوره های آموزش کارآفرینی

یکی از مسائل مهم در برپایی دوره های آموزشی، این است که به چه کسانی آموزش داده شود؟ و این که اهداف مورد نظر هر دوره ویژه چه گروهی از افراد است؟ در یک تقسیم بندی کلی می توان گروه های چهارگانه ای را برای شرکت در انواع دوره های آموزشی به شرح زیر برشمرد:

- دانش آموزان و دانشجویان که در مجموعه دروس رسمی اجباری و یا اختیاری خود واحدهای درسی خاص را برای افزایش آگاهی و ایجاد و پرورش انگیزه و تمایل به کارآفرین شدن زیر نظر اساتید و مربیان خبره پشت سر می گذارند.
- اعضای هیئت علمی و مدرسان گروه دیگری هستند که از بین صنعتگران استادان دست اندرکاران و صاحب نظران کارآفرینی انتخاب شده و تحت آموزش های ویژه ای قرار می گیرند تا ضمن آشنایی با اهداف سرفصل ها ،روش ها محتوا، فنون آموزش در دوره ها و مقاطع مختلف تحصیلی، توانایی و مهارت تدریس کارآفرینی را کسب نمایند و به عنوان حامیان کارآفرینی، از کارآفرینان حمایت نموده و به گسترش فرهنگ کارآفرینی بپردازند.
- کارآفرینان بالفعل و بالقوه گروهی هستند که با مفاهیم و اصول اولیه کارآفرینی آشنا شده و از طریق تجارب فردی دست به انجام فعالیت های کارآفرینانه زده و یا به منظور تکمیل و تقویت توانایی های عملی خود برای گسترش حیطه فعالیت و با راه اندازی فعالیت جدید و یا در سطح وسیع در دوره های آموزشی ویژه شرکت می کنند تا با اصول مدیریت حسابداری بازاریابی و... آشنا شوند و یا از حمایت و پشتیبانی های مالی، علمی، فنی فرهنگی و زیربنایی بهره مند گردند؛ مانند دوره ای که توسط سازمان بین المللی کار برای آموزش و مشاوره مدیران کارآفرین و کسانی که ایده ای نو

برای راه اندازی کسب و کار دارند را با اصول و مفاهیم و روش های اداره بنگاه در واحدهای کوچک تولیدی و خدماتی آشنا می کند.

➤ اقشار و گروه های در سطح جامعه این گروه شامل قشر خاصی در جامعه و یا سازمان است که برای مثال می تواند کارکنان یک سازمان و با گروه ویژه ای در جامعه نظیر زنان سرپرست خانوار بازنشستگان و... را در برگیرد و حتی به منظور گسترش فرهنگ و روحیه کارآفرینی در سطح وسیع با ارائه برنامه های تلویزیونی و رادیویی می توان مردم را با مفهوم کارآفرینی و نقش و اهمیت آن در ابعاد فردی، منطقه ای، ملی و حتی بین المللی آشنا نمود تا در صورت تمایل به مخاطره پذیری و توانایی راه اندازی کسب و کار جدید در دوره های تکمیلی و تخصصی به عنوان کارآفرینان بالقوه شرکت نمایند (اسعدی خلیل و حق پرست، 1392).

اهمیت و ضرورت آموزش کارآفرینی در مراکز آموزش عالی

با توجه به اهمیت کارآفرینی و نقش آن در توسعه و پیشرفت کشورها، شکی نیست که پیش نیاز کارآفرینی مشارکت در سیستم های آموزش است (Schoonhoven, 2000). بر اساس تحقیقات انجام شده، در سال های اخیر توجه و علاقه مندی به کارآفرینی دانشگاهی افزایش یافته است (Michael. et.al, 2005). در طی دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شاهد رشد فرآیند تقاضا بر اساس آموزش کارآفرینی بوده است، تا جایی که بر اساس اعلامیه جهانی پیرامون آموزش دانشگاهی در پایان کنفرانس جهانی آموزش عالی در قرن بیست و یکم چشم انداز و اقدام در اکتبر ۱۹۹۸ زیر نظر یونسکو در پاریس صادر شد با عنوان «توسعه و آموزش مهارت های کارآفرینی باید دل مشغولی اساسی آموزش دانشگاهی قرار گیرد».

در سال های اخیر بسیاری از کشورهای توسعه یافته شاهد رکود اقتصادی نرخ بالای بیکاری و نوسانات در چرخه های تجاری هستند که پس از جنگ جهانی دوم هیچ گاه چنین پدیده هایی را تجربه نکرده اند. همین امر باعث گردیده است تا دولت ها، سیاستگذاران و تصمیم گیرندگان جوامع مختلف به نقش بالقوه کارآفرینی در حل و فصل موارد فوق اذعان داشته باشند. بسیاری از صاحب نظران و کارشناسان بر این باورند که کارآفرینی و کسب و کار کوچک دو عامل کلیدی و اساسی در پیشرفت صنعتی و اقتصادی یک ملت هستند. برخی از آنان 70٪ از رشد اقتصادی را به فعالیت های کارآفرینانه نسبت می دهند. علاوه بر این کارشناسان بر این عقیده اند که سرمایه با ترکیبی از کارآفرینی و استفاده مؤثر از دانش باعث تحول ملت ها می شود، چرا که کشورهایی مانند سوئیس و ژاپن با فقدان منابع طبیعی مناسب، خود را با بالا بردن سطح تحصیلات، مهارت ها و توانایی های منابع انسانی جبران کرده اند. از این روست که اقتصاددانان عوامل تولید را به پنج دسته تقسیم کرده اند؛ سرزمین، نیروی کار، سرمایه، دانش و کارآفرینی (Archilong, 2004).

بررسی گسترده ای که توسط جورج سالمون در سال ۲۰۰۵ بررسی برنامه های آموزشی و توسعه کارآفرینی در دانشگاه های آمریکا صورت گرفت، نشان داد که رشته های ارائه شده در رابطه با کارآفرینی عبارتند بردند از:

- کار آفرینی
- مدیریت کسب و کارهای مخاطره آمیز
- خلق کسب و کارهای مخاطره آمیز
- نوع آوری تکنولوژی
- سرمایه گذاری مخاطره آمیز
- مشاوره ی کسب و کار کوچک
- سمینار استراتژی کسب و کار کوچک
- توسعه ی محصول جدید

- بازاریابی کارآفرینان
- کسب و کار مالی
- خلاقیت
- بازاریابی کسب و کار مخاطره آمیز
- انتقال تکنولوژی
- یافتن فرصت ها
- کسب و کارهای مخاطره آمیز بین المللی
- ارزشیابی نوآوری
- قانون برای کارآفرینان
- تفکر خلاق
- اقتصاد کارآفرینان
- کارآفرینی اجتماعی
- کارآفرینی جامعه شناسی

انتظارات از مراکز آموزش عالی در رابطه با آموزش کارآفرینی

دانشگاه عمدتاً به عنوان مولد اصلی برای سرمایه گذاری در تکنولوژی های جدید و مشاغل پنداشته نمی شود و حتی بعضی مواقع به عنوان موتور توسعه یک جامعه تلقی می شود. انتظار و وظایف جدید تحت عنوان رسالت سوم دانشگاه محسوب می شود و برخی ها حتی در صدد ایجاد دانشگاه های کارآفرینی هستند. بنابراین می توان اذعان داشت که انتظار کنونی از دانشگاه این است که در کنار امر پژوهش و آموزش باید وظیفه ی دیگری را به عنوان موتورهای ابتکار و رشد اقتصادی هر منطقه و ملتی را به عهده بگیرند (رستگار و قربانلو، 1386). تاکنون این تصور مطرح بوده است که دانشگاه ها باید صرفاً به امور آکادمیک خود بپردازند و فقط دو رسالت دارند: نخست پژوهش های عالی و دوم انتقال دانش. علاوه بر این تصور نیز غالب بوده است که دانشگاه نسبت به صنعت و منابع تجاری بی طرف و مستقل است.

آنچه مسلم است دانشگاه به دنبال این نیست که تا با آموزش کارآفرینی باعث ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط با ارزش پائین شوند، بلکه به توسعه سطحی بالاتر از مهارت ها و تقویت توانایی های تحلیلی می پردازد، بدین معنا که دانشگاه به دنبال تربیت متخصصان متفکر و اندیشمند است. این افراد از طریق دانش و توانایی های شان نه تنها قادرند که کسب و کارهای جدید را آغاز نمایند، بلکه ارزش مستمر کسب و کارشان را بر اساس تقویت توانایی هایشان و دستیابی به درکی عمیق تر از فرآیند کارآفرینی توسعه می دهند. علاوه بر توسعه کسب و کارهای کوچک این توانایی ها قابل تبدیل شدن به آفرینش پروژه های جدید و ایجاد کارآفرینی در کسب و کارهای جدید موجود هستند.

باید توجه داشت که دانشجویان کارآفرینی باید فراتر از مهارت های مدیریتی کسب و کارهای کوچک و متوسط باشند. دانشجویان فارغ التحصیل باید نوآور و خلاق باشند تا بتوانند به ابتکارات کارآفرینانه جنبه ی هنر را برآورده سازند. همچنین آن ها باید در حوزه های مختلف به مدیران شایسته (جنبه علمی) تبدیل شوند.

بنابراین آموزش کارآفرینی در برگیرنده هنر و علم است، علم را که عمدتاً به عنوان وظیفه ی مدیریت کسب و کارهای کوچک و متوسط تلقی می شود را می توان از طریق آموزش هایی مثل حسابداری، تجزیه و تحلیل مالی، بازاریابی سیستم های اطلاعاتی، رهبری و مدیریت عمومی مرسوم آموزش داد، اما هنر که ماحصل ایجاد کارآفرینی و نوآوری است چندان قابل تدریس نیست. هنر

در آموزش کارآفرینی چیزی فراتر از منطق اقتصادی رایج است. این موضوع باید امکان نظر قرار گیرد که دانشگاه نمی تواند به طور مستقیم آموزش هنر داشته باشد، چرا که این موضوع اساسا ذاتی و یا تجربی است. اما توصیه می شود که دانشجویان در کسب و کارهای کوچک و متوسط مشغول شوند تا از این طریق انجام امور مختلف آنها را بیاموزند. دانشجویانی که با کارآفرینان کار می کنند، با ریسک ها و ابهامات و موقعیت های ساختار نیافته ای مواجه می شوند که می تواند تجربه های خوبی را برای یادگیری آنها به ارمغان آورد. به هر حال دانشگاه هم آموزش های عملی و هم آموزش های نظری دارد.

در این زمینه می توان به دانشگاه آبرین اشاره داشت که دانشگاهی قدیمی است که توجه خاصی به موضوعات فرهنگی دارد در این دانشگاه کارآفرینی برای دانشجویان در سطح دکتری زیست - پزشکی، داروسازی و دانشمندان محیط زیست آموزش داده می شود. تدریس در این دانشگاه در برگیرنده مدیریت کسب و کارهای کوچک و متوسط اما در عین حال بر بعد تئوریکه نیز در تمام دوره ها تأکید می شود. یکی از مهم ترین کار این دانشگاه ارتباط مستمر دانشجویان با کارآفرینان است تا مباحث خود را با آنان ترکیب کنند (Sarah, Alistair, 1399).



شکل شماره (۱) نقش مراکز آموزش عالی در اشتغال و کارآفرینی

آموزش در دانشگاه کارآفرین

کارآفرینی اکتسابی است، لذا باید در فراهم آوردن محیط مناسب و آموزش هایی که ویژگی ها تجربیات و مهارت های لازم را در افراد تقویت می کند کوشید. پس یکی از جنبه های بسیار مهم دانشگاه کارآفرین، آموزش است. آموزش کارآفرینی امروزه در کشورهای صنعتی بخش قابل توجهی از برنامه های آموزشی دانشگاه را به خود اختصاص داده است. هدف این آموزش ها این است که فارغ التحصیلان بتوانند مؤسسان و بنیانگذاران شرکت های خصوصی باشند. دانشگاه ها می توانند بر حسب ویژگی گروه های تحت آموزش و نیازهای محلی منطقه ای و ملی برنامه های آموزشی متعددی را برای سازمان های خصوصی و عمومی طراحی کنند. در این زمینه مطالعاتی از سال ۱۹۸۰ برای تحقیق در مورد رشته جدید تحقیقاتی کارآفرینی شروع شد. در این سال ها در زمینه تاثیر کارآفرینی بر روی شرکت های نوپا ارزش افزوده ناشی از ارائه برنامه آموزشی در دانشگاه ها مزایای استفاده از این روش ها در ساختار فعلی و همچنین در واحدهای آموزش کارآفرینی مطالعات و تحقیقاتی صورت گرفته است. این تحقیقات به منظور

بهبود دوره های آموزشی و همچنین برای ارتقاء سطح علمی اساتید یک رشته دانشگاهی مفید و مناسب بوده و باعث می شود که محققان با زتاب فعالیت های خود را با توجه به معیارهای مورد ارزیابی نظاره گر باشند و شیوه های آموزشی خود را ارتقا دهند تا دانشجویانی که اهداف مشابهی دارند، استفاده مناسب تری از آن ها ببرند. با این حال مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع کارآفرینی در بیشتر موارد تجربی بوده و کمتر جنبه نظری داشته است. در سال های اولیه دهه ۱۹۹۰ تحقیق در خصوص آموزش کارآفرینی همچون یک رشته جدید مورد توجه قرار گرفت و به طور وضوح برای اجرای دوره های مناسب آموزش کارآفرینی، اهداف خاص و آموزش ها و شیوه های یادگیری کیفیت محتوای درسی برای هر فرد تحت آموزش و نوع روش های مطالعاتی که اهداف آموزش کارآفرینی را به طور اثر بخش برآورد نماید، به تحقیقات وسیعی نیاز دارد که در این میان مراکز کارآفرین می توانند ساز و کارهای سودمندی را برای حمایت از تحقیقات مورد نیاز در ابعاد مختلف به وجود آورند (حیدری عبدی، ۱۳۸۳).

چالش های آموزش کار آفرینی

آموزش های کارآفرینی و تحقیقات مربوط به آن با چالش های متعددی مواجه شده است. ناشناخته بودن مقوله کارآفرینی، از موانع گسترش فرهنگ کارآفرینی در کشور است. در دهه های اخیر، بخش خدمات یکی از بخش های اشتغال زا و بسیار پول ساز در کشورها بوده است و به عنوان مثال، در کشورهای بزرگی همچون انگلستان عمده درآمدشان از بخش خدمات است و بخش صنایع قسمت کمی از درآمد ملی انگلستان را تشکیل می دهد. بخش خدمات شامل مواردی همچون بانک، بیمه و تجارت الکترونیک است (صالحی شاه حسینی، ۱۳۸۷).

برخی دیگر از این چالش ها توسط بلاک و استامپ ارائه شده است. این چالش ها عبارتند از: چالش در کیفیت مدرسان کارآفرینی، چالش در پذیرش آموزش کارآفرینی در دانشکده ها نسبت به کسب و کار، چالش در ایجاد یک پیکره عمومی در زمینه دانش های مختلف، چالش در اثربخشی روش های آموزشی چالش در نیازهای یادگیری کارآفرینانی که در حال کسب و کار هستند، متناسب با دوره زندگی کسب و کاری که هم اکنون در آن به سر می برند (تدین، ۱۳۸۶).

امروزه اکثر دروس دانشگاه ها به ویژه رشته های علوم انسانی به طور نظری ارائه می شوند و تلاش جدی برای کاربردی کردن آن ها صورت نگرفته است. به عبارت دیگر افراد کارآفرین در آن کمتر تربیت می شوند. از این رو، اکثر خروجی های دانشگاه ها با نیازهای بازار کار هماهنگی و همخوانی ندارند، تخصص ها و مهارت ها هم جهت و هم سو با نیازهای بازار کار شکل نمی گیرند و به خاطر کمتر کاربردی بودن دروس دانشگاهی به ویژه در رشته های فنی دانش آموختگان آمادگی برای کار ندارند. محدودیت اختیار دانشگاه ها در زمینه ایجاد و تأسیس دوره های بین رشته ای از جمله مشکلات قابل ذکر است. البته طی سال های اخیر اقداماتی در این زمینه صورت گرفته که باید گسترش یابد. بازار کار هماهنگ با تحولات علوم و فناوری جهان در حال تحول است. از این رو بازار کار نیازمند بعضی تخصص های جدید است که لزوماً دانش آموختگان دانشگاه ها آن ها را در دوران تحصیل فرا نمی گیرند. مساله دیگر عدم ارتباط دانشگاه ها با صنایع و مراکز تولیدی و صنعتی است؛ به طوری که امروزه به رغم ایجاد و گسترش دانشگاه های صنعتی، حلقه های اتصال آن ها با صنعت و تولید چندان شکل نگرفته است. در واقع وقتی ارتباط دانشگاه و صنعت به درستی صورت نگیرد، نمی توان انتظار پیشرفت و توسعه جدی کشور را داشت. عدم شناخت جوانان از بازار کار و عدم مشارکت فعال بخش خصوصی در زمینه های تحقیق توسعه فعالیت های تولیدی و کارآفرینی از جمله دیگر مشکلات مربوطه است (حیدری و عبدی، ۱۳۸۳).

ارزشیابی از آموزش کارآفرینی

ارزشیابی فعالیت های کارآفرینی دانشگاه با موضوعاتی چون وجود برنامه های ارزشیابی تاثیر و نفوذ ذی نفعان در حوزه آموزش نظارت و ارشادگری مسیرهای شغلی دانش آموختگان کارآفرینی و میزان استفاده و الگوبرداری سایر موسسات آموزشی از برنامه های این دانشگاه است چنانچه قسمتی یا کل برنامه های آموزش کارآفرینی در سایر موسسات آموزشی تکرار و الگوبرداری گردد و این بدان معنیست که طراحی و اجرای دوره به خوبی بوده و برنامه های آموزش کارآفرینی موفقیت آمیز است. ارزشیابی به عنوان رکن مهم و اصلی برنامه های آموزشی است. چنانچه این ارزشیابی از منظر اعضای هیأت علمی و دانشجویان انجام شود که در نتیجه آن می توان درباره کیفیت برنامه آموزش کارآفرینی قضاوت کرد که باید تاثیر آموزش کارآفرینی بر مسیر شغلی دانشجویان مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و همواره نظارت های لازم ارائه گردد. این تاثیر می تواند با مقایسه میزان کارآفرینی وجود فرصت های استخدام و سطوح درآمد در بین دانش آموختگانی که در کلاس های کارآفرینی شرکت کرده اند و آن هایی که شرکت نکرده اند انجام شود. یکی دیگر از ابعاد ارزشیابی در آموزش کارآفرینی میزان توجه و تاثیر ذی نفعان در محتوا برنامه های کارآفرینی است. چنانچه مهارت های دانشجویان متناسب با نیازهای آینده سازمان و شرکت باشد؛ بدان معنی است که به خواسته ها و توجهات سازمان ها در آموزش کارآفرینی توجه شده است.

برنامه های آموزش کارآفرینی دانشگاه های برتر، در سایر دانشگاه ها مورد الگوبرداری قرار گرفته اند. گاهی ممکن است عنصر یا بخشی از برنامه و یا کل برنامه در سایر موسسات و دانشگاه ها مورد بهره برداری قرار گیرد. بنیاد کافمن نیز به طور فعالانه در توسعه رویکردی منسجم و واحد در آموزش کارآفرینی برای سایر دانشگاه ها فعالیت می کند (عزیزی و عزیزی، 1395).

11

مجموعه ای از مشکلات اساسی در ارزشیابی برنامه های آموزش کارآفرین وجود دارد، چرا که بیشتر فارغ التحصیلان بلافاصله بعد از اتمام تحصیل اقدام به راه اندازی کسب و کار نمی کنند. بیشتر آن ها ابتدا وارد مشاغل عادی و سپس وارد کسب و کارهای کوچک تر شده و بعد از آن کارآفرین می شوند. دانشگاه های برتر رویکرد کارورزی محور به آموزش کارآفرینی داشته و به طور مستمر از ذی نفعان کسب و کار در برنامه های آموزش کارآفرینی استفاده می کنند. رهبران کسب و کار نیز از طریق شبکه های فارغ التحصیلی در این برنامه ها شرکت می کنند. شبکه های فارغ التحصیلان تنها و مهمترین مسیر حیاتی برای جامعه کسب و کار در اکثر دانشگاه های برتر است. بیشتر دانشگاه های برتر برنامه های کارآفرینی را از طریق کمک های اهدائی بنیادها یا افراد خیر برگزار می کنند. برنامه های کارآفرین جامعه کسب و کار و دانش آموختگان را در تأمین منابع مالی فعالیت ها و برنامه های کارآفرین درگیر می کند. منابع مالی بدست آمده از شرکت های کارآفرینی اغلب نجومی هستند. بعضی دانشگاه ها چندین میلیون دلار کمک مالی وقفی از دانش آموختگان موفق دریافت کرده اند. علاوه بر آن دانشگاه های برتر دارای مراکز کارآفرینی هستند که تمام فعالیت های کارآفرینانه را سازماندهی می کند. بعضی از این مراکز کارآفرینی دارای ۳۰ الی ۴۰ نفر مدرس هستند.

در دانشگاه های برتر مشارکت دانشجویان اهمیت بالایی دارد و شبکه ها و انجمن های دانشجویی برنامه ریزی و اجرای برنامه های اجتماعی و دانشگاهی را بر عهده دارند. با توجه به این که امور مربوط به تدریس کارآفرینی وقت گیر بوده و ممکن است مدرسین و اعضای هیأت علمی جهت سازماندهی فعالیت های مرتبط با کارآفرینی وقت کافی نداشته باشند، بنابراین معمولاً دانشجویان این امر را بر عهده دارند. مشارکت کارآفرینان در برنامه های آموزش رویکردهای مختلفی می تواند داشته باشد، در دانشگاه های برتر مشارکت کارآفرینان به صورت نظام مند انجام می شود. آموزش روش تدریس مقدم بر مشارکت کارآفرین بوده که از این طریق کارآفرینان و کارورزان قادر می شوند با زمینه و سابقه کارآفرینانه ای که دارند دید و بینش ارزشمندی برای دانشجویان ارائه دهند. در همین راستا آموزش تکمیلی برای مدرسین کارمند نیز که علاقه به مسیر شغلی تدریس کارآفرینی دارند، فراهم است.

آموزش کار آفرینی در ایران

بر اساس برنامه سوم توسعه طرحی تحت عنوان طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور که به اختصار کاراد" نام گرفت تدوین و اجرای آن با نظر سازمان مدیریت وزارت علوم در دوازده دانشگاه کشور شروع و مسئولیت پی گیری، اجرا و امور ستادی آن از سوی وزارت علوم در اواخر سال ۱۳۷۹ به سازمان سنجش واگذار گردید. این امر به منظور ترویج کارآفرینی و در راستای پیشگام شدن نظام دانشگاهی در امر کارآفرینی برنامه ریزی ابلاغ گردید. طرح کاراد به منظور ترویج پژوهش و آموزش کارآفرینان کشور و تحقق اهداف زیر در حال اجرا است:

- ✓ ترویج فرهنگ کارآفرینی و ارتقای شناخت جامعه دانشگاهی به ویژه دانشجویان نسبت به کارآفرینی و نقش آنان در رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال و رفاه.
- ✓ ترغیب جامعه دانشگاهی به دوره های آموزشی کارآفرینی گسترش تحقیقات در خصوص کارآفرینان، پروژه های کارآفرینی محیط و فضای کارآفرینان و سایر زمینه های مرتبط با توجه به شرایط و مقتضیات ایران.
- ✓ صدور بخشنامه هایی به کلیه دانشگاه های کشور جهت ارائه واحدهای درسی مربوط به کارآفرینی(درانی و مرادی، ۱۳۸۸).

انواع برنامه های آموزشهای کار آفرینی در ایران

ایران با دارا بودن نیروی انسانی به عنوان یکی از عوامل موثر در تولید و ثروت اقتصادی، همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه برای استفاده موثرتر از این نیروها تعدادی از دوره های ارائه شده در جهان را جهت آموزش کارآفرینی مورد استفاده قرار داده است که غالباً سازمان آموزش فنی و حرفه ای متولی برگزاری این دوره ها و یا ناظر بر ارائه آن ها می باشد. با توجه به شرایط اقتصاد ایران چارچوبی برای تشکیل دوره های آموزشی کارآفرینی در ایران در قالب طرح «ستاد آموزش» بعضی از متدلوژی هایی نظیر EMPRETEC (UNVTAD), KAB (ILO, GTZ) CEFE در موسسات آموزش فنی و حرفه ای مورد بررسی قرار گرفته و همچنین برای ارائه یک دوره آموزشی و ادغام آن ها مورد توجه می باشد.

از دیگر برنامه های آموزش کارآفرینی در ایران برنامه آموزش کارآفرینی بر اساس مدل NFTE است. این برنامه آموزشی متناسب با سطوح و مقاطع مختلف تحصیلی طراحی شده و محتوای آن بر اساس گروه های سنی مختلف تنظیم گردیده است. برنامه آموزشی NFTE را می توان به صورت دوره کوتاه مدت در یک نیمسال تحصیلی، یک ترم یا یک دوره یک ساله کارآفرینی آموزش داد برنامه آموزشی KAB که پیشتر به آن اشاره شد؛ از دیگر برنامه های ارائه شده در ایران می باشد و شامل یک سری از مواد آموزشی برای آموزش کارآفرینی است که هدف کلی آن کمک به ایجاد فرهنگ کسب و کار می باشد. سیستم آموزش "KAB" برای تامین مواد درسی ضروری معلمین و مربیان در یک دوره ۱۲۰ ساعته طراحی شده است. این بسته آموزشی شامل یک کتابچه راهنمای مربی و هشت عنوان درسی است هر عنوان یک بخش اصلی از کارآفرینی را معرفی می نماید و به چندین موضوع تقسیم می شود. هر عنوان درسی که به عنوان یک بسته مستقل طرح ریزی شده است و پیش نیاز عناوین دیگر نمی باشد (اسعدی خلیلی و حق پرست، 1392).

چالشهای آموزش کارآفرینی در ایران

چالش های مربوط به کارآفرینی اجتماعی در ایران را می توان نتیجه تحولات پیچیده و غیر قابل پیش بینی جامعه دانست. دانشگاه ها می بایست با تقاضای روزافزون اتکا به نفس و استقلال بیشتر و برنامه ریزی های استراتژیک با رویکرد کارآفرینانه روبرو شوند، که هم زمان باعث به وجود آمدن فرصت های بیشتر و بالا رفتن میزان ریسک می شود. برای فعالیت در این فضا، می بایست به صورت رقابتی منابع موجود را تا حداکثر ممکن به کار گیرند و همچنین فرصت های جدید و متنوع یادگیری برای

خود و برای دانشجویان به وجود آورند (آراسته، 1382). از آنجا که هر برنامه تازه ای معمولاً با دشواری و مشکلات خاص مواجه می شود و با توجه به این که در زمینه آموزش توسعه کارآفرینی تجربیات لازم و کافی در دانشگاه ها وجود ندارد، برخی از چالش ها و موانع آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی عبارت اند از:

منابع درسی: از چالش های آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشورمان، چالش در محتوا و شیوه های آموزشی کارآفرینی است. منابع درسی موجود بیشتر فرهنگ استخدام شدن را که در برابر فرهنگ خویش فرمایی و ابتکار جویانه فردی قرار دارد، تبلیغ و تشویق می کند. نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی ایران به جای کارآفرین بودن کارجو پرور است و با هزینه های زیاد افرادی را تربیت می کند که فقط شکاف های شغلی تعریف شده نظام سنتی اداری را پر کنند. دلیل آن نیز عدم توجه به یادگیری عملیاتی و خلاقانه موضوعات درسی است. بنابراین باید برنامه های آموزش کارآفرینی دانشگاهی مورد بازبینی قرار گیرد و موضوعات درسی دوره ها و روشهای آموزش به سوی کارآفرین مداری سوق داده شود (حیدری، 1383).

کمبود تعداد دانشکده های کارآفرینی: زمانی در آمریکا تعداد دانشگاه هایی که دوره های کارآفرینی را آموزش می دادند کمتر از انگشتان دست بودند؛ در حالی که در سال ۲۰۰۵ به بیش از ۲۰۰۰ مورد رسیده است (کوراتکو و همکاران، ۲۰۰۵، ترجمه عامل محرابی، ۱۳۸۳). همچنین این آمار در طول دهه گذشته به طور فزاینده ای در حوزه های مختلف آموزش و پژوهش افزایش داشته است به طوری که تعداد نشریات علمی در آموزش و پرورش کارآفرینی در سال ۲۰۱۰ در مقایسه با سال ۲۰۰۰ بیش از ۳۰۰ درصد افزایش نشان می دهد (ریزا و واروم، ۲۰۱۱). در نظام آموزش عالی ایران این موضوع شامل کمبود دانشکده های کارآفرینی و مراکز کارآفرینی مربوطه می شود و در تمامی رده های دانشگاهی محسوس خواهد بود.

فناوری: در سال ۲۰۰۲ میلادی "سولمن" همکاران وی در بررسی های گسترده در زمینه آموزش کارآفرینی با چالش جدید در مورد مسئله فناوری و استفاده از آن رو به رو شدند. آنان با استفاده از اطلاعات به دست آمده در باره آموزش کارآفرینی به این نتیجه رسیده اند که یک گرایش منفی در مورد استفاده از فناوری روز در زمینه آموزش وجود دارد. این اطلاعات نشان می داد که تنها بیست و یک درصد از مراکز آموزشی برای ارائه دروس مربوط از فناوری آموزش از راه دور کمک گرفته اند. واقعیت این است که این شیوه گسترش و فراگیر آموزش کارآفرینی به سرعت در طول سال های آتی ادامه خواهد یافت.

اعتبارات: سؤال مهمی که مطرح است این است که چه منابعی برای بهره برداری و کسب حمایت لازم در دانشگاه وجود دارند؟ یا چه کسانی می توانند به آموزش کارآفرینی دانشگاهی کمک کنند؟ بررسی تجربیات دانشگاه هایی که در زمینه آموزش کارآفرینی موفق بوده اند نشان می دهد که دانشگاه ها می توانند با تجاری سازی دانش موجود خود استفاده از حمایت مؤسسات بازرگانی محلی و ملی استفاده از حمایت مقامات دولتی و محلی و کسانی که خدمات حمایتی برای کارآفرینان ارائه می کنند از جمله سرمایه گذاران ریسکی مشاوران حقوقی و حسابرسی در موقعیت ها و شرایط متفاوتی بهره مند شوند؛ برای مثال در دانشکده های فنی و مهندسی از طریق تحقیق درباره شرکت های پیشرو و دانش بنیان و فناوری روز دانشکده های علوم اداری و اقتصادی از طریق مشاوره در خصوص توجیه اقتصادی و فنی طرح ها و پروژه ها و دانشکده های علوم تربیتی و روان شناسی نیز می توانند در باره نحوه طراحی دوره های آموزشی و تدوین تقویم های آموزشی دوره های کارآفرینی و کسب و کار، شیوه آموزشی و مشاوره های شغلی سودمند واقع شوند.

جامعه دانشگاهی و عدم وجود سازگاری با صنعت و کسب و کار: همواره این پرسش وجود دارد که آیا کارآفرینان در فرایند آموزش موقعیتی همتراز با استادان دارند؟ حتی اگر مؤسسه یا شرکت خاصی بتواند برای ایجاد این سازگاری تلاش ها و فعالیت های مستمری انجام دهد، باز هم این سؤال باقی است که آیا می توان این شکاف ایجاد شده را از بین برد؟ یا از رشد شکاف جلوگیری کرد؟ چه تعامل و گفت و گوی مفیدی صورت گرفته که می تواند تأثیر مثبتی بر روند آموزشی داشته باشد؟ ابتدا باید از یک موضوع مطمئن شد و آن هم این است که آیا استادان کارآفرینی واقعاً به مباحث کلیدی و مفید می پردازند؟ آیا در مورد

مشکل های ریشه ای و اصلی قضایا بحث می کنند یا به مسائل بی ارزش می پردازند؟ این موضوع مهمترین نگرانی و دغدغه فکری فعالان آموزش کارآفرینی است. دانشجویان این رشته باید به کارآفرینانی که برای رسیدن به وضع کنونی سختی های زیادی را تحمل کردند و حتی شکست هایی هم داشته اند دسترسی داشته باشند تا از تجربیات آنان سود ببرند.

اساتید: یکی از چالش ها و موانع سر راه دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی در توسعه کارآفرینی، کمبود کادر هیئت علمی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی از نظر تعداد، ترکیب مراتب هیئت علمی و روزآمدی است و این به نوبه خود مهم ترین موانع در برگزاری دوره های کارآفرینی دانشگاهی نیز به شمار می آید. لازم است ابزارهای پشتیبانی شامل تربیت مربیان ارزشیابی و اعطای مدارک توسعه زیر ساخت ها و فعالیت های توسعه منابع انسانی استفاده از برنامه های آموزشی مناسب اعضای هیئت علمی توانمند و مربیان ماهر برای نائل آمدن به اهداف کارآفرینی تدارک دیده شود. تحقیقات کاتز (۲۰۰۳) به این موضوع اشاره می کند که بازار نشریه از مجله ها و گاه نامه هایی اشباع اند که بر سر چاپ و انتشار مقاله هایی با کیفیت پایین با هم در حال رقابت هستند. از دید وی مشکل دیگر این است که افراد متخصص و خبره در زمینه کارآفرینی را مجبور می کنند تا مقاله های خود را در گاهنامه های کارآفرینی چاپ کنند. در ایران بنا به دلایلی که در جدول شماره (۲) به برخی از آن ها اشاره شد، تحقیقات در زمینه آموزش کارآفرینی توسعه چندانی نیافته است. بیشتر تحقیقات در زمینه کارآفرینی به مسائل کلی می پردازد و در مورد گروه هایی غیر از گروه مورد مطالعه مصداق ندارند. همچنین کمبود تحقیقات و اطلاعات در مورد آموزش کارآفرینی و سنجش میزان موفقیت آن ها در یادگیری، رفتار و منش کارآفرینانه مانع اصلاح و پیشرفت در زمینه آموزش کارآفرینی است. تحقیقات پیرامون آموزش کارآفرینی علاوه بر مسائل کلی لازم است تمام مؤلفه های آموزشی مؤثر بر توانمندی کارآفرینانه را مد نظر قرار دهد و با توجه به خلاهای موجود در آموزش کارآفرینی، راهبردهای کارآمدتر جست و جو و ارائه شود. تحقیقات لازم است در مسیر ارتقاء و کیفی سازی آموزش ها قرار گیرد.

جدول (۲) چالش ها و راهبردهای آموزش کارآفرینی در آموزش عالی ایران

چالش ها	راهبردها
منابع درسی	ارائه درس کارآفرینی به صورت یک درس پایه یا تخصصی در رشته های مختلف
	توجه به محتوای کاربردی در آموزش کارآفرینی
	استفاده از روش های نوین تدریس
تعداد دانشکده ها و مراکز کارآفرینی	همکاری با سایر دانشکده ها
	ایجاد برنامه آموزش کارآفرینی قوی در امتداد سایر دروس تخصصی
	توسعه آموزش کارآفرینی در مقاطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری)
فناوری	شناسایی فناوری روز
	توسعه زیر ساخت ها و دسترسی به اینترنت پر سرعت
	استفاده از رسانه های محلی
اعتبارات	آموزش های مجازی
	تجاری سازی دانش
	جلب حمایت از دولت محلی منطقه ای و ملی
جامعه دانشگاهی و عدم وجود	استفاده از فارغ التحصیلان و کارآفرینان موفق
	استفاده از فکر و عقیده کارآفرینان با تجربه و موفق بهره گیری از تجارب مدیران موفق

ارتباط با تجارت و کسب و کار	در عرصه صنعت و تولید
استادان	ارتقاء سطح دانش حرفه ای استادان نسبت به برنامه درسی، اهداف، محتوا و روش های آموزش کارآفرینی
	ارتقاء سطح دستمزد
تحقیقات	استخدام و به کارگیری استادان بر اساس شایستگی های حرفه ای
	جست و جوی راه های کارآمدتر برای آموزش کارآفرینی در شرایط مختلف
	توسعه تحقیقات در زمینه کارآفرینی با توجه به مسائل کلی و جزئی

با عنایت به مراتب فوق و نتایج جدول (۲) می توان گفت که رفع موانع آموزش کارآفرینی قبل از اینکه یک حرکت علمی باشد باید به یک عزم ملی تبدیل شود و افراد بتوانند استعدادهای کارآفرینانه خود را بدون ترس و با ثباتی اقتصادی و سیاسی پرورش دهند و اطلاع رسانی نمایند و در این زمینه صرفاً به کتابها و مجلات و آموزش رسمی اکتفاء نکنیم.

نقاط قوت دوره های آموزش کار آفرینی در ایران

- با توجه به دوره های معدودی که برگزار شده به نظر می رسد که استقبال مطلوبی از این دوره ها به عمل آمده است.
- در برخی از برنامه های آموزشی تعدادی از استادان از مطالعات موردی، مثال های بومی و همچنین ابزار سمعی و بصری همانند فیلم های ویدئویی استفاده کرده اند که تاثیر زیادی در جلب توجه و رضایت شرکت کنندگان دوره ها داشته است.
- از آنجا که اکثر استادان دوره ها دارای سوابق مدیریتی مراکز صنعتی بوده اند، ارتباط با مخاطبین و شرکت کنندگان دوره ها نسبتاً خوب بوده است و تجربه عملی آنان و بازگویی تجربه های عملی برای شرکت کنندگان درک مفاهیم کارآفرینی را آسان کرده است.
- از طرف مراکز صنعتی و آموزشی کشور درخواست های زیادی مبنی بر برگزاری این دوره های آموزش کارآفرینی می شود.

نقاط ضعف دوره های آموزش کار آفرینی در ایران

- در برگزاری دوره های آموزش کارآفرینی باید از روش های مختلف تدریس استفاده کرد. روش هایی همچون روش کلاسی سمینار سخنرانی کارگاهی و... متناسب با موضوعات به کار گرفته شود. ولی دوره های آموزش کارآفرینی در ایران صرفاً به صورت سخنرانی بوده و از تنوع روش برخوردار نیست.
- منابع آموزشی و کمک آموزشی در زمینه کارآفرینی در کشور هنوز به حد نصاب مطلوب نرسیده است، به طوری که تعداد کتب موجود از ۴۰ عنوان تجاوز نمی کند و تعداد مقالات علمی- پژوهشی نیز کم است. بنابراین استادان و شرکت کنندگان در دوره ها منابع اطلاعاتی اندکی در اختیار دارند.
- برنامه های آموزش کارآفرینی در مراکز آموزشی و صنعتی به صورت سازماندهی شده نیست و برنامه ها و سطح بندی آن مورد توجه قرار نمی گیرد.

○ برنامه های آموزش کارآفرینی برگزار شده در صنایع کشور عمدتاً در یک نیمروز یا حداکثر یک روز کامل بوده که این علاوه بر خستگی شرکت کنندگان درک مفاهیم جامع و کامل راجع به کارآفرینی را نا ممکن می کند (جلیلی و دانش فرد، ۱۳۸۹).

پیشینه پژوهشی

- ✓ مجل چوبقلو و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی تحت عنوان آسیب شناسی فرایند کارآفرینی در برنامه درسی رشته های تحصیلی دانشگاهی مطالعه موردی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، به این نتیجه دست یافتند که برنامه درسی کار آفرینی کیفیت مطلوب و توانایی تربیت کارآفرینان، خلاق مبتکر و توانا را ندارد.
- ✓ صفری و همکاران (۱۳۹۱)، در طی مطالعه ای با عنوان نیاز سنجی آموزش دانش و مهارت کارآفرینی در رشته های علوم انسانی به این نتیجه دست یافتند که مواد، محتوا و برنامه های فرعی غیر رسمی یا پنهان علمی آموزشی و حتی شیوه های تدریس در رشته های علوم انسانی در انتقال مفاهیم کار آفرینی و کسب و کار به دانشجویان در وضعیت مناسبی قرار ندارند.
- ✓ احمدزاده (۱۳۹۲) در پژوهشی با هدف بررسی و تحلیل اثر بخشی آموزش کارآفرینی در رشته های کارآفرینی با استفاده از مدل ماتریس رضایت به این نتیجه دست یافت که محتوا، روش ها پیامدهای فردی سازمانی و اجتماعی - اقتصادی حاصل از آموزش کارآفرینی در دانشجویان رشته های کارآفرینی دانشگاه سیستان و بلوچستان اثر بخش نبوده است.
- ✓ شریف و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش تحلیل وضعیت آموزش کارآفرینی در آموزش عالی ایران به این نتیجه دست یافتند که اهداف، محتوا راهبردهای یاددهی و یادگیری، شیوه های مدیریت و نظارت و ارزشیابی آموزش کارآفرینی باید بیش از سطح متوسط در آموزش کارآفرینی مدنظر قرار گیرد.
- ✓ فراهانی و همکاران (۱۳۸۷)، در مطالعه ای با عنوان نقش سرفصل و محتوای دروس تربیت بدنی در لزوم آموزش کارآفرینی به دانشجویان تربیت بدنی ایجاد فضای میانه و تعاملی بین کار آفرینی دانش آموختگان این رشته به این نتیجه رسیدند که محیط های یادگیری و اجرا تجدید نظر و انطباق سرفصل و محتوای دروس با نیازهای جامعه و تدوین قوانینی که بتواند از نوآوری ها و خلاقیت در عرصه ورزش حمایت کند، ضروری است.
- ✓ سیابلا و همکاران (۲۰۱۴)، در مطالعه ای با هدف شایستگی های کار آفرینی دانشجویان دانشگاه های غیر کسب و کار در افریقای جنوبی به این نتیجه رسیدند که دانشجویان غیر کسب و کار در شایستگی های کارآفرینی و مدیریت اقتصادی ضعیف اند.
- ✓ سانچز (۲۰۱۱)، در آموزش دانشگاهی برای شایستگی های کارآفرینی تأثیر آن بر قصد و راه اندازی کسب و کار نتایج مطالعه روی دانشجویان رشته های اقتصاد علوم اجتماعی فنی حقوق و بهداشت کشور اسپانیا نشان داد که خودباوری، خطر پذیری پیشتر بودن و قصد خوداشتغالی به طور مشخصی بعد از برنامه های آموزش کارآفرینی نسبت به قبل از برنامه های آموزشی افزایش یافته است.
- ✓ لیودیزی و همکاران (۲۰۰۸)، در مطالعه تطبیقی آموزش کار آفرینی در دانشگاه های آمریکا و چین به این نتیجه دست یافتند که دانشگاه های چین در زمینه فعالیت های برنامه درسی و محیط آموزشی در سطح پایین تری نسبت به دانشگاه های آمریکا عمل می کنند.

✓ سانگ و همکاران (۲۰۰۵)، در تأثیر آموزش کارآفرینی مطالعه تطبیقی دانشگاه‌های آمریکا و کره به این نتیجه دست یافتند که بافت فرهنگی دانشجویان آمریکایی از دانشجویان کره ای متفاوت است، بدین صورت که بافت فرهنگی دانشجویان آمریکایی در اصطلاحات قصد و نیت کار آفرینانه، دانش و توانایی ایجاد سرمایه گذاری، به رسمیت شناختن اهمیت آموزش کارآفرینی و قصد راه اندازی سرمایه گذاری در خارج از کشور با تأکید بر کار گروهی در وضعیت بهتری قرار دارد.

نتیجه گیری

از چالش‌های آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشورمان، چالش در محتوا و شیوه‌های آموزشی، فناوری، اعتبارات، اساتید، ارتباط با جامعه کسب و کار و تحقیقات پیرامون موضوع است. منابع درسی موجود، بیشتر فرهنگ استخدام شدن را که در برابر فرهنگ خویش‌فرمایی و ابتکار جویانه فردی قرار دارد، تبلیغ و تشویق می‌کند. نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی ایران به جای کارآفرین بودن، کار جو پرور است و با هزینه‌های زیاد افرادی را تربیت می‌کند که فقط شکاف‌های شغلی تعریف شده نظام سنتی اداری را پر کنند، دلیل آن نیز عدم توجه به یادگیری عملیاتی و خلاقانه موضوعات درسی است. بنابراین، باید برنامه‌های آموزش کار آفرینی دانشگاهی مورد بازبینی قرار گیرد و موضوعات درسی دوره‌ها و روش‌های آموزش به سوی کارآفرین‌مداری سوق داده شود. دستیابی به سطوح بالای رشد و تعالی در کشور، بدون مجهز شدن به کارآفرینی و نگرش‌های کارآفرینانه افراد جامعه مقدور نیست، به همین دلیل امروزه محققان، استادان دانشجویان و صاحبان کسب و کار آموزش کارآفرینی را به عنوان روش ایده آل برای تأمین چالش‌های قرن نوبین می‌دانند. امروزه تقاضای دانشجویان به آموزش کارآفرینی و نگرش‌های کارآفرینانه بسیار بالاست و دانشگاه‌ها در سراسر جهان برای پاسخگویی به این تقاضاها، با اقدام به راه‌اندازی دانشکده‌ها رشته‌ها و دوره‌های کارآفرینی کرده‌اند و در ایران نیز مراکز کارآفرینی دانشکده‌ها و رشته‌های کارآفرینی ایجاد شده‌اند. اما نکته حائز اهمیت این است که آموزش کارآفرینی متفاوت از آموزش‌های سنتی بوده و مستلزم به کارگیری راهبردهای ویژه‌ای است که در آن دانشگاه، استادان و دانشجویان باید استقلال بیشتری در مورد چگونگی و شرایط یادگیری آن برخوردار باشند. برنامه‌های آموزشی را می‌توان با استفاده از تجارب برنامه‌های آموزشی که کشورهای توسعه یافته و سازمان‌های بین‌المللی داشته‌اند، بومی‌سازی و طراحی کرد. بر پایه برخی دیگر از منابع، عدم تناسب محتوای برنامه‌های درسی با شرایط، نیازهای بازار کار و عدم جدیت در آموزش دروس عملی از معضلات عمده این نظام در آموزش کارآفرینی است. بنابراین هماهنگی هر چه بیشتر نیازهای بازار کار با افرادی که متمایل به داشتن کار هستند با آموزش و ارائه برنامه‌های آموزش کارآفرینی در حین تحصیل در رشته‌های گوناگون می‌شود. آنچه در تدریس دوره‌های کارآفرینی باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد، این است که دانشجویان را متوجه کارآفرینی و استفاده از فرصت کند.

پیشنهادات

پیشنهادات پژوهشی

- با توجه به جوان بودن حوزه آموزش کارآفرینی، تحقیقاتی در خصوص نحوه برنامه‌ریزی درسی کارآفرینی در رشته‌های مختلف دانشگاهی انجام گیرد.
- آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها در کوتاه مدت و بلند مدت مزایای زیادی برای صنعت دارد، بنابراین لازم است دستاوردهای این حوزه برای صنعت مورد شناسایی و مورد بررسی قرار گیرد.
- در زمینه تجربیات رابطه کسب و کارهای خصوصی با دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی در سایر کشورها تحقیقات لازم به عمل آید.

- در زمینه شناسایی تجربیات آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌های آسیایی نیز تحقیقاتی انجام و امکان استفاده از آن‌ها در دانشگاه‌های ایران بررسی‌های لازم به عمل آید.

ب) پیشنهادات اجرایی

- برنامه‌های آموزش کارآفرینی نیاز به اختصاص وقت و هزینه زیادی است، لذا لازم است از دست اندرکاران برنامه‌های آموزش کارآفرینی از جمله مجریان در بخش‌های مختلف حمایت‌های لازم به عمل آید.
- با توجه به مقاومت برخی گروه‌ها و دانشکده‌ها در اجرای آموزش کارآفرینی، لازم است قوانین و آیین‌نامه‌های اجرائی لازم برای آموزش کارآفرینی در بخش‌های مختلف به ویژه دانشگاه‌ها تدوین و از پشتوانه قوی برای اجرا برخوردار باشد.
- از عوامل مهم در یادگیری و آموزش کارآفرینی، استفاده از منتورهای صنعت به صورت‌ها و شکل‌های مختلف در دانشگاه است. مثلاً در رویدادهای چون مسابقات طرح کسب و کار برگزاری استارت‌آپ و یکند و جشنواره‌های کارآفرینی با مشارکت آفرینی بخش جامعه کسب و کار و صنعت باشد.
- نظر به اینکه آموزش کارآفرینی حوزه‌ای تخصصی از نظر طراحی و اجرا است لازم است مراکز کارآفرینی فعال و دانشکده کارآفرینی در طراحی این دوره‌ها حمایت‌های لازم برای دست اندرکاران برنامه درسی ارائه دهند.
- امروزه کارآفرینی فقط مربوط به رشته خاصی نیست، بلکه تمامی رشته‌های دانشگاهی باید برنامه‌های درسی خود را کارآفرین محور تعریف کنند، تا دانشجویان بتوانند کسب و کار رشته خودشان را هم یاد بگیرند.
- از افراد با تجربه صنعت به عنوان استاد مدعو، سخنران و ارائه‌دهنده دروس مشترک در کلاس‌های کارآفرینی استفاده شود.
- محتوا و مطالب ارائه شده در کلاس‌های آموزش کارآفرینی، باید مطابق با نیازهای جامعه کسب و کار و صنعت باشد و این کار مستلزم شناسایی شایستگی‌های کارآفرینی و طراحی برنامه نیازسنجی آموزشی در تمام صنایع و کسب و کارهاست.
- دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی باید تلاش کنند تا دانشجویان را با دانش و تئوری‌های اقتصادی و کارآفرین آشنا سازند تا آن‌ها را در موقعیت مناسبی برای شناخت عوامل اقتصادی و غیر اقتصادی مؤثر در رشد و توسعه کشور قرار دهند.
- ایجاد یا گسترش رشته‌های دوره‌ای واحدهای درسی و مراکز کارآفرینی در دانشگاه‌ها و سازماندهی این مراکز در قالب شبکه‌های کارآفرینی ضروری است. در این برنامه‌ها باید مناسب بودن محتوای دوره آموزشی گزینش مفاهیم درسی مفید و مناسب استفاده از فنون گوناگون برای بهبود عملکرد آموزشی و کیفیت یادگیری دانشجویان در مراحل مختلف آموزشی مورد توجه قرار گیرد. دوره‌های ویژه آموزشی نظری و عملی می‌تواند در برگزیده دوره‌های مقدماتی و عالی باشد. آموزش این دروس در دانشکده‌های بازرگانی و مهندسی ضروری است. برنامه ریزی برای تربیت کادر آموزشی کارآفرینی در دانشگاه‌ها نیز باید در این راستا مدنظر قرار گیرد.
- دولت باید تلاش کند از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کارآفرین پشتیبانی کند. این پشتیبانی می‌تواند به شکل سیاستگذاری ایجاد انگیزه برنامه ریزی تامین امنیت سیاسی و اقتصادی و تصویب قانون مربوطه صورت گیرد. افزون بر این دولت باید با تسهیل روابط علمی و صنعتی مربوط با کارآفرینی در حوزه‌ی تکنولوژی‌های گوناگون جریان نوآوری در سطح کشور را در قالب نظام ملی نوآوری انسجام بخشد.

- ایجاد یک بانک اطلاعاتی نیز باید مورد توجه باشد، زیرا فراهم ساختن اطلاعات لازم برای آگاهی استادان و دانشجویان از نیازها و مسائل کاری رشته تخصصی شان در رشد و ایجاد روحیه کارآفرینی آن‌ها بسیار مؤثر است. از این رو ایجاد بانک‌های اطلاعاتی در این دانشگاه‌ها ضروری است. چنین بانک‌هایی می‌توانند اطلاعات لازم را برای آشنایی با اقدامات و فعالیت‌های کارآفرینانه در اختیار دانشجویان قرار دهند.

منابع

- احمدزاده، نسرين(1384)، بررسی میزان توجه برنامه درسی دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های کارآفرینی از دیدگاه فارغ التحصیلان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- اسعدی خلیل، نرجس خاتون، حق پرست، فاطمه،(1392)، مطالعه تحقیقاتی آموزش کارآفرینی در ایران و سایر کشورها و ارائه راهکارهای مؤثر در آموزش کارآفرینی به زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره 162، آبان 1392، صفحه 46.
- تدین، اعظم،(1386)، توسعه کارآفرینی دانشگاهی، همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی، دانشگاه سمنان، اسفند 1386.
- جلیلی، سودابه، کرم اله، دانش فرد(1389)، کارآفرینی و خط مشی‌های کارآفرینی، نشریه خط مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، دوره اول، شماره 2، صفحات 181 الی 215.
- حیدری عبدی، احمد،(1383)، کارآفرینی، دایره المعارف آموزش عالی، جلد دوم.
- حیدری عبدی، احمد(1383)، کارآفرینی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، فصل‌نامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، تهران.
- درانی، کمال، مرادی، حجت‌اله،(1388)، هرمزگان، انتشارات دانشگاه هرمزگان.
- رستگار، عباسعلی، قربانلو، محسن(1386)، آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها: با تأکید بر مطالعه و بررسی تطبیقی دانشگاه‌های کشورهای آمریکا، انگلستان و چین، همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی گذشته، حال و آینده.
- شریف، سیدمصطفی، جمشیدیان، عبدالرسول، ذحیمی، حمید، نادری، ناهید،(1390)، تحلیل وضعیت آموزش کارآفرینی در آموزش عالی، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال 3، شماره 11، صفحات 87 الی 106.
- صفری، سعید، سمیع‌زاده، مهدی،(1391)، نیازسنجی آموزش دانش و مهارت کارآفرین در رشت‌های علوم انسانی، فصلنامه فناوری آموزش، سال 7، شماره 1، صفحات 66 الی 76.
- عبدالله زاده سلماسی، علی، انوری، مسعود، انوری، نادر و دیگران،(1394)، نقش مراکز آموزش عالی در اشتغال و کارآفرینی، نشریه علمی مهارت آموزش، دوره 4، زمستان 1394، شماره 2.
- عزیزی، محمد، عزیزی، اکرم،(1395)، تجربه‌های موفق دانشگاه‌های برتر در آموزش کارآفرینی با اتکا به منابع صنعت، نشریه صنعت و دانشگاه، سال نهم، شماره‌های 31 و 32، بهار و تابستان 1395، صفحه 9.
- فاتح، بهرام، دانا، شهروز، حامد، هوشنگ،(1389)، الگوی کارآفرینی در نظام آموزش عالی ایران، کارآفرینی در افق 1404، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
- فراهانی، ابوالفضل، گودرزی، محمّد، عزیزیان کهن، نسرين، احمدی، علی اکبر،(1387)، نقش سرفصل و محتوای دروس تربیت بدنی در کارآفرینی دانش‌آموختگان این رشته، فصلنامه مدیریت ورزشی، دوره 1، شماره 1، صفحات 203 الی 223.
- فرهنگی، علی اکبر، حسینی، سیدحیدر،(1378)، رهبری و مدیریت در دانشگاه‌ها، دانش مدیریت، دوره 47، شماره 2.



- کوراتکو، دالند اف، هاجتس، ریچارد ام، (2005)، نگرشی معاصر بر کارآفرینی، جلد اول و دوم، ترجمه عامل محرایی، ابراهیم، (1383)، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- مجل چوبقلو، محمدعلی، عبدالله فام، رحیم، تمجیدتاش، الهام، (1393)، آسیب شناسی فرایند کارآفرینی در برنامه درسی رشته های تحصیلی دانشگاهی، فصلنامه بهره وری مدیریت، سال 65، دوره 18، صفحات 167 الی 187.

- Archibong-ch;Anysi(2004),Technology,Infrastructure and Entrepreneurship:Role of the Government in Building a Sustainable Economy, School of Business and Economic North Carolian A and T state University Greenboro.
- Katz,J,A.(2003),The chronology and intellectual trajectory of American entrepreneurship education 1876-1999. Jornal of business venturing,118(2),283-300.
- Michael C.Brennan,Anthony P.Wall,Pauric Mc Gowan (2005),Academic entrepreneurship Assessing Preferences in nascent entreoreneursn Journal of small B usiness and EnterPrise Development, volume 12, Number3, pp.307,322.
- Rizza, C: Varnum, C(2011),Directions in Entpreneurship Education in Europe, xx Journadas de la Asociacion de Econimia de la Education.
- Sanchez, J ,(2001), University training for enterpreneurial competene: Its impact on intention of venture creation, International Entrepreneurship and Management Journal (7)3,239,254.
- Sarah L.Jack, Alistair R. Anderson,(1999),Entrepreneurship education within the enterprise cultre Producing reflective praction International journal of Eterpreneurial Behaviour Q Resarch , volome 5, Number3,pp.110,125.
- Sang,M L,C,,Daesung(2005), Impact of entrepreneurship education; A comparative study of the U.S and Korea, International Entrepreneurship and Management Journal,1(1),27-43.
- Seabela,M.O.Fatoki(2014), The entrepreneurial compectencies of non-business university student, in South Africa International Journal of Science Education,6(3),375-381.
- Schoonhoven. Claudia. Bird Q Roman Elli Elian (2001),the Enterpreneurship Dynamic, california, Stanford nniversity press Stanford.
- Solomon, G.T,Duffy, S, Tarabishy,A,(2002), The state of Enterpreneu rship education in the United stated: a nationnwide survey and analysis. International Jornal of Entrepreneurship education, (1),65-86.